یادداشت

لایحه آزادی بیان‌سوز

ادامه از صفحه اول

در این میانه، جایگاه قانون و تقنین مطلوب بسیار حائز اهمیت است؛ تقنینی برای پاسداشت آزادی بیان یا تقنینی در مسیر امنیتی‌کردن فضای اجتماعی و کنترل بیشتر بر شهروندان؟ با کمال تأسف و تعجب خبر ارسال لایحه‌ای دوفوریتی با عنوان «لایحه مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی» بسیاری از دلسوزان کشور را نگران کرده است. ضروری است به بررسی این لایحه پرداخته شود و پیش از طرح در مجلس و تصویب، باید به فکر چاره بود. در چهار بند ذیلا به این لایحه پرداخته می‌شود:

الف) استفاده از عباراتی مبهم و کش‌دار

قانون‌گذاران نباید با عباراتی مبهم حقوق و آزادی‌های شهروندان را تحت تأثیر قرار داده و ایشان را در معرض خطر مجازات قرار دهند. عباراتی چون «علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور»، «اخلال در نظم و سلامت عمومی»، «اخلال در روابط کشور با دولت‌های خارجی یا سازمان‌ها یا نهادهای بین‌المللی»، «مواقع بحرانی»، «محتوایی که عرفا موجب تشویش اذهان و شبهه شود» و امثال این موارد یعنی بازکردن و بازشدن پای سلیقه و عشق در برخورد با فعالان عرصه مجازی و این به معنای نقض حاکمیت قانون است، چراکه اصل شفافیت قانون زیرمجموعه اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات است و عبارات مبهم نباید در قانون جزایی به کار گرفته شود.

ب) جعل اصطلاح برای توسعه در جرم‌انگاری

از سال ۱۳۰۴ تا امروز تمامی قانون‌گذاران برای جرم‌انگاری در عرصه بیان از عبارت «نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی» استفاده کردند اما در این لایحه از عبارت «محتوای خلاف واقع» استفاده شده و در بند ۳ ماده یک آن را این‌گونه موسع تعریف کرده است: «محتوایی که مابه‌ازایی در واقعیت نداشته یا شکل تحریف‌شده‌ای از یک واقعیت یا انعکاس ناقص واقعیت مانند پنهان‌کردن عمدی بخش‌هایی از آن باشد؛ به نحوی که عرفا موجب تشویش اذهان، شبهه یا فریب مخاطب یا هتک حیثیت دیگران شود». براساس این عبارت حتی اگر شخص راست بگوید اما بخشی از واقعیت را بگوید و نه تمام واقعیت را باز هم محتوای خلاف واقع گفته و با مجازات‌های شدید مواجه می‌شود یعنی افراد ملزم‌اند یا حرف نزنند یا به صورت کامل همه مطالب را بگویند. آیا این به معنی وادارکردن افراد به سکوت نیست؟ هم‌اکنون بسیاری از فعالان عرصه مجازی می‌دانند که با تفسیری موسع از ماده ۷۴۶ تحلیل و تفسیر و نقد هم متأسفانه «نشر اکاذیب» تلقی می‌شود. حال در نظر بگیرید خود قانون‌گذار بیاید و عبارت کش‌دار و لغزنده «محتوای خلاف واقع» را وارد قانون کند؛ آیا این کار به معنای پاس گل به پرونده‌سازان نیست؟

ج) تشدید مجازات‌ها

تا پیش از این ماده ۷۴۶ بخش تعزیرات مجازات حبس از سه ماه تا دو سال را برای «نشر اکاذیب رایانه‌ای» در نظر گرفته بود. ماده ۲۲ این لایحه این ماده قانونی را صریحا نسخ کرده است، چراکه رویکرد تشدیدی در مواد مختلفی از این لایحه مورد قبول قرار گرفته است. با اینکه مشابه مجازات ماده ۷۴۶ تعزیرات در ماده ۱۲ لایحه ذکر شده است (شش ماه تا دو سال) اما در ماده ۱۳ و ۱۵ با قیودی سهل‌الوصول و سهل‌الاحراز این مجازات به ۵-۲ سال و ۱۰-۵ سال و ۱۵-۱۰ سال افزایش پیدا کرده است. حتی در ماده ۱۴ گفته شده است ابتدا موضوع افساد فی‌الارض بررسی شود که اگر قیود آن وجود داشته باشد، حکم اعدام صادر شود. مثلا اگر یک بازیگر یا چهره ورزشی یا سیاسی که براساس ماده ۱۵ «اشخاصی که به دلیل داشتن شهرت، دانش، مهارت، موقعیت یا هر رابطه دیگر با مخاطبان خود دارای قدرت تاثیرگذاری بر تصمیمات آنان را دارند» فقط یک استوری یا توییت یا پست بنویسد که بخشی از حقیقت را گفته باشد، تا ۱۵ سال حبس انتظار او را خواهد کشید. این تشدید مجازات هیچ معنایی ندارد جز وادارکردن شهروندان به سکوت و عدم اظهارنظر در موضوعات مختلف با افزایش هزینه برای شهروندان.

د) تبعات اجتماعی این لایحه

اگر اهمیت «آزادی بیان» درک شود، آن‌گاه چنان تقنین می‌شود که اگر لغزشی هم در کلام و نوشته پیش آمد، با دیده اغماض به آن نگریسته شود، چراکه برکات آزادی بیان برای کشور و مردم فراوان است. اما لایحه اخیر به‌شدت همه را مبتلای به محافظه‌کاری و سکوت می‌کند، چراکه دغدغه‌مندان از ترس لغزشی احتمالی و مجازاتی سنگین، عطای اظهارنظر را به لقایش خواهند بخشید و این سکوت و محافظه‌کاری شروع «انحطاط اجتماعی» خواهد بود. جامعه امروزین مانند مکتب‌خانه‌های قدیم نیست که با چوب و فلک بالای سر اطفال ایستاده شود که اگر کسی دست از پا خطا کرد، او را به فلک ببندند و از شش ماه تا ۱۵ سال حبس یا حتی اعدام به خوردش داده شود. جامعه محل تعاطی افکار درست و غلط است که باید مطرح شوند و پاسخ داده شود و در نهایت افکار عمومی نظری را به عنوان نظر صحیح انتخاب کند. ضروری است تا دیر نشده است دولت این لایحه را مسترد کند و با تعامل با دستگاه قضائی، لایحه‌ای نوشته شود در مسیر حفظ و تقویت حقوق و آزادی‌های شهروندان و نه لایحه‌ای به کردن فضای آزادی بیان و ارعاب و اسکات اندیشمندان و شهروندان.

آبیاری قطره‌ای برای ۲ میلیارد نفر!

ادامه از صفحه اول

براساس مطالعات آمایش سرزمین که در اوایل دهه ۱۳۵۰ انجام گرفت، با عنایت به محدودیت منابع آب، می‌بایست دولت برنامه‌ای منسجم برای انتقال صنایع آب‌بر و حتی کانون‌های تمرکز جمعیت به سواحل جنوبی کشور و ظرفیت‌سازی برای صنعت شیرین‌کردن آب دریا انجام می‌داد؛ اما این اصل مهم هم در سال‌های قبل از انقلاب و هم در سال‌های پس از آن فراموش شد. در سال‌های بعد از جنگ، افراط ناموجه در اجرای پروژه‌ها سدسازی، دشواری‌های بزرگی را برای کشور ایجاد کرد که یک نمونه آن مرگ تدریجی دریاچه ارومیه در نتیجه احداث ده‌ها سد و ندادن حقابه طبیعی دریاچه است. علاوه بر این، افراط در اجرای پروژه‌های انتقال آب از استان الف به استان ب نیز مشکلاتی را برای هر دو منطقه ایجاد کرده و نارضایتی مردم را در پی داشته است. به بیان دقیق‌تر، مدیریت منابع آبی کشور در چند دهه گذشته بسیار ضعیف و نابخردانه انجام گرفته و دشواری‌های امروز بیشتر از اینکه نتیجه بخت و اقبال یا نفرین دشمنان باشد، دستاورد مدیریت فامیلی و باجناق‌سالاری (در مقابل شایسته‌سالاری) بوده است.

چنین مدیریتی بیشتر از اینکه براساس تحلیل‌های علمی و کارشناسی تصمیم بگیرد، از مجموعه اطلاعاتی تغذیه می‌شود که حتی اگر بنیان درستی داشته باشند، مانند تجزیه و تحلیل معاون اسبق عاری از فایده و گمراه‌کننده هستند. با تأمل در سخنان ایشان و سایر مسئولان دولت وقت می‌توان دریافت نکته اصلی مورد عنایت او و هم‌فکرانش بیشتر از اینکه اصلاح شیوه مدیریت منابع آب باشد، ارائه این پیام به مخاطبان است که کشور نیازی به تعامل با جهان خارج یا حل دشواری‌های موجود ندارد. جناب معاون اسبق در این باره گفته است: «۱۱ اقلیم از ۱۳ اقلیم جهان در ایران وجود دارد، به همین دلیل اگر دور تا دور کشور را دیوار هم بکشند و با جای دیگری ارتباط نداشته باشیم، باز هم می‌توانیم امور کشور را پیش ببریم». به نظر می‌رسد اگر دولت سیزدهم فرصتی می‌یافت تا با استفاده از تجربیات امثال ایشان برنامه خود را محقق کند، چند سال بعد مسئولان وقت ادعا می‌کردند با استفاده از شیوه‌های آبیاری قطره‌ای می‌توان آب مورد نیاز ۱۰ میلیارد نفر را تأمین کرد و بنابراین هیچ نیازی به تغییر شیوه سیاست‌گذاری، اصلاح روش حکمرانی یا اصلاح مسیر تعامل با دنیای خارج نداریم.

کشاورزی غیراقتصادی سهم عمده هدررفت آب را به خود اختصاص می‌دهد اما متولیان انگشت قصور را به سمت مصرف‌کننده خانگی گرفته‌اند

نشانی اشتباه چالش آب

مجتبی راعی: چیزی حدود ۸۶.۵ درصد از منابع آب کشور صرف کشاورزی می‌شود؛ کشاورزی غیراقتصادی که سهم چندانی در تولید ناخالص ملی کشور ندارد و بسیار پرهزینه و کم‌درآمد اداره می‌شود. بر اساس گزارش وزارت کشاورزی، در دنیا به ازای هر مترمکعب آب مصرفی، ۲.۵ کیلوگرم محصول کشاورزی تولید می‌شود که در ایران به ازای هر مترمکعب آب فقط ۹۰۰ گرم محصول تولید می‌شود. گذشته از این، در بخش کشاورزی ۶۰ درصد هدررفت آب معادل حدود ۴۹ میلیارد مترمکعب رخ می‌دهد که معادل بیش از پنج برابر کل آب شرب مردم کشور است اما متولیان با آدرس اشتباهی مصرف‌کننده آب خانگی را که سهم ناچیزی از منابع آب کشور دارد، به عنوان مقصر تنش آبی نشان می‌دهند. بنابراین راهکار اصلاح وضعیت، نه آدرس اشتباهی مصرف‌کننده خانگی، که اولویت اصلاح مصرف آب در بخش کشاورزی است.

عکس: مهدی محسن‌پور، ایرنا

ریشه بحران کجاست؟

برای بررسی موضوع رخداد تنش‌های آبی در ایران خوب است در ابتدا نگاهی به آمارهای اعلامی از سوی دستگاه‌های مربوطه داشته باشیم. همان‌طور که از آمارهای رسمی مشخص شده، در سال ۱۴۰۲ کل مقدار آب مصرفی ۹۴ میلیاردو ۵۲۳ میلیون مترمکعب بوده که از این مقدار ۹.۵ درصد سهم آب شرب، ۳.۹ درصد سهم صنعت و ۸۶.۵ درصد سهم بخش کشاورزی بوده است.

از آن گذشته سهم کشاورزی در تولید ناخالص ملی نه‌تنها سهم قابل توجهی نبوده، که سال‌های متمادی، رشد اقتصادی و تراز تجاری در این بخش منفی شده است. همچنین با وجود مصرف بالای آب در این بخش، محصولات کشاورزی عمدتا خام‌فروشی می‌شوند.

مرکز آمار ایران سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی (GDP) را هفت درصد و سهم صنایع وابسته به محصولات کشاورزی را ۳.۸ درصد گزارش کرده است. این در حالی است که بخش کشاورزی در برزیل ۵.۵ درصد و صنایع وابسته ۱۹.۵ درصد از GDP را تشکیل می‌دهند. یکی از علل پایین‌بودن نسبت ارزش صنایع غذایی به محصولات کشاورزی در ایران، خام‌فروشی در این زنجیره است.

بنابراین با مشخص‌شدن سهم این سه بخش مصرفی آب، به‌وضوح مشخص است که سهم بخش کشاورزی فاصله چشمگیری با سایر بخش‌های شرب و صنعت دارد. بنابراین لازم است تا اگر قرار به برنامه‌ریزی برای اصلاح فرایند مصرف است، از این بخش آغاز شود.

آسیب‌شناسی بخش کشاورزی

سهم بیش از ۸۶درصدی بخش کشاورزی در مصرف آب از یک سو و از سویی سهم اندک اقتصاد کشاورزی در بخش تولید ناخالص داخلی نسبت به سایر بخش‌ها، از یک سو و از سویی دیگر تراز تجاری منفی روزافزون این بخش نشان‌دهنده خلأیی است که اگر ریشه‌یابی شود، می‌توان به راهکارهایی برای اصلاح الگوی مصرف آب هم رسید.

نقطه آغاز چالش کشاورزی؛ اصلاحات ارضی

سیاست اصلاحات ارضی در ایران که با تصویب قانون اصلاحات ارضی در تاریخ ۱۹ دی ۱۳۴۰ آغاز شد و با رفراندوم ۶ بهمن ۱۳۴۱ به مرحله اجرا درآمد، یکی از مهم‌ترین نقاط عطف تاریخی در کوچک‌مقیاس‌شدن اقتصاد کشاورزی در ایران بود. این سیاست که منجر به خردشدن زمین‌های کشاورزی در میان رعایای شاغل در بخش کشاورزی شده بود، اگرچه به دنبال حل مسائل ارباب-رعیتی بود، ولی در بلندمدت منجر به خردشدن کشاورزی و در پی آن غیراقتصادی‌شدن مکانیزه‌کردن کشاورزی در خرده‌بخش‌ها شد؛ موضوعی که در بلندمدت منجر به ازدست‌رفتن یکپارچگی الگوهای کشت شد و ضریب بهره‌وری را به شدت پایین آورد.

گرفتاری شعارهای ایدئولوژیک پس از انقلاب

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، یکی از کانون‌های ایجاد بحران آب، شعارهای ایدئولوژیکی همچون خودکفایی بود. این شعارها که اوج آن در بخش‌های کشاورزی بارها شنیده می‌شد، همواره به دنبال افزایش تولیدات محصولات کشاورزی برای رسیدن به خودکفایی و بی‌نیازی از واردات این محصولات از خارج بود. موضوعی که اگرچه در برخی اقلام استراتژیک شاید می‌توانست مهم باشد، اما وقتی این شعار به همه بخش‌ها تعمیم پیدا کرد و الگوهای کشت براساس مواردی جز مزیت‌های نسبی و مطلق شکل گرفت، عملا منجر به شکل‌گیری گروه‌های ذی‌نفعی در این بخش از اقتصاد شد که بدون توجه به شرایط آبی کشور فعال شده بود. نمونه بارز این موضوع را می‌توان به صادرات بیش از ۳۷۰ هزار تن هندوانه فقط در سه‌ماهه ابتدایی سال ۱۴۰۴ اشاره کرد.

آفت نبود نقشه راهبردی برای کشاورزی

در غیاب وجود برنامه‌های راهبردی بلندمدت عملیاتی و همچنین نبود آمایش واقع‌گرایانه در بخش اقتصاد کشاورزی دچار نوعی شکل‌گیری الگوهای کشت غیرمنطقی شده‌ایم که نمونه بارز آن را می‌توان در کشت برنج در استان‌هایی همچون اصفهان نام برد. در غیاب برنامه راهبردی و از سویی در غیاب برنامه‌ریزی مشخص، سالانه شاهد الگوهای عرضه و تقاضای نامتوازنی هستیم که در یک سال برخی محصولات کشاورزی آن‌قدر زیاد کشت می‌شود که عملا برداشت آن برای کشاورز غیراقتصادی می‌شود و در برخی سال‌های دیگر نیازمند واردات آن محصول از خارج برای تأمین بازار داخل می‌شویم که نمونه آن موضوع سیب‌زمینی در سال قبل بوده است که مجبور به واردات سیب‌زمینی برای تأمین بازار داخل شدیم.

بهره‌وری پایین در کشاورزی

یکی از موضوعاتی که در پی خردشدن اقتصاد کشاورزی در ایران از آن چشم پوشیده شده، لزوم افزایش ضریب بهره‌وری صنعت کشاورزی است؛ موضوعی که می‌تواند تا حد بسیار زیادی میزان مصرف آب در این بخش را کنترل کند. بنا به اعلام وزارت کشاورزی، در دنیا به ازای هر مترمکعب آب مصرفی ۲.۵ کیلوگرم محصول کشاورزی تولید می‌شود که در ایران این آمار به ازای هر مترمکعب آب ۹۰۰ گرم است. بنابراین میزان بهره‌وری آب در حوزه کشاورزی یک‌سوم استاندارد جهانی است که این آمار وقتی در کنار شعارهای خودکفایی قرار می‌گیرد، نشان‌دهنده هزینه بسیار بالای خودکفایی در گرو نبود برنامه راهبردی است.

با تمام این اوصاف، نگاه‌های کوتاه‌مدت و نبود نگاه بلندمدت و توسعه‌گرایانه به موضوع آب یکی از مشکلات اساسی در رخداد وضعیت فعلی بوده است. وجود نگاه‌های کوتاه‌مدت عموما منجر به سیاست‌هایی به منظور افزایش عرضه و به دنبال آن افزایش تقاضای آب شده است، حال آنکه در غیاب سیاست‌های افزایش بهره‌وری و بهبود سیستم توزیع و همچنین قیمت‌گذاری درست، هرچه عرضه آب افزایش یابد، برای آن تقاضا خلق و مجدد سیستم با کمبود آب مواجه خواهد شد. به عنوان مثال اگر نگاهی به میزان هدررفت آب در بخش‌های مختلف داشته باشیم، به نکات قابل تأملی می‌رسیم. به طوری که مطابق اعلام وزارت کشاورزی، در بخش کشاورزی ۶۰ درصد هدررفت آب معادل حدود ۴۹ میلیارد مترمکعب معادل بیش از پنج برابر کل آب شرب در حال رخ‌دادن است. این در حالی است که مسئولان به‌جای تمرکز بر حل این موضوع دائما توپ را در زمین مردم انداخته و آنها را دعوت به مصرف آب شرب کمتر کرده‌اند یا مثلا بنا بر اعلام وزارت نیرو در بخش آب شرب ۳۱ درصد هدررفت وجود دارد که حدود ۱۶ درصد ناشی از فرسودگی شبکه است که مردم دخل و تصرفی در آن ندارند.

با این حال مسئولان با راهکارهای کوتاه‌مدت دائما در پی افزایش عرضه آب هستند که نمونه آن خبری است که تسنیم درباره حفر ۱۰۰ حلقه چاه جدید برای تأمین آب شرب فقط در تهران منتشر کرده است.

در مثال دیگری می‌توان به انتقال آب از دریای عمان به اصفهان برای تأمین آب صنایع این استان اشاره کرد که اگرچه در کوتاه‌مدت این موضوع ظاهرا به عنوان یک دستاورد نشان داده خواهد شد، ولی در غیاب سیستم توزیع درست و نبود برنامه‌های مدیریت تقاضا همچون سیستم قیمت‌گذاری بهینه، قطعا در آینده‌ای نه‌چندان دور این استان مجدد با مشکلات و تنش‌های آبی مواجه خواهد شد.

بنابراین راهکارهای مقابله با موضوع تنش‌های آبی در دو دسته راهکارهای کوتاه‌مدت و بلندمدت تقسیم‌بندی می‌شود. راهکارهای کوتاه‌مدت عمدتا بر مدیریت عرضه آب تمرکز داشته‌اند و عموما به دنبال افزایش عرضه هستند. راهکارهای بلندمدت در حوزه آب عمدتا مبتنی بر مدیریت تقاضا هستند که موضوع افزایش ضریب بهره‌وری آب نیز در این دسته قرار می‌گیرد. حال آنکه بررسی لایحه بودجه ۱۴۰۴ به‌وضوح نشان‌دهنده لحاظ حدود ۹۰ درصد از اعتبارات تملک فصل منابع آب برای برنامه‌های افزایش عرضه و تأمین آب، یا به عبارتی همان برنامه‌های کوتاه‌مدت است که نشان‌دهنده تداوم همان نگاه کوته‌نگرانه به موضوع آب بوده است که خود را در سند لایحه بودجه به عنوان آینه تمام‌نمای حکمرانی کشور نشان داده است و تا زمانی که به سمت سیاست‌های مدیریت تقاضا حرکت نکنیم، نمی‌توان انتظار بهبود پایدار شرایط را داشت.

فهرست آماری رسمی صنعت آب کشور در سال ۱۴۰۲ (سال آبی ۱۴۰۱ - ۱۴۰۲)

ردیف	عنوان شاخص		واحد اندازه‌گیری	مقدار شاخص
۱	ارتفاع بارش در حوضه آبریز		میلی‌متر	۲۱۳
۲	مقدار آب تجدیدپذیر		میلیون مترمکعب	۱۰۳۱۰۰
۳	تعداد سدهای ملی کشور	در دست مطالعه	تعداد	۹۷
		در دست اجرا		۹۰
		در دست بهره‌برداری		۱۹۶
۴	حجم آب قابل تنظیم سدها		میلیون مترمکعب	۴۰۱۲۳
۵	کسری مخزن منابع آب زیرزمینی		میلیون مترمکعب	۳۰۷۰
۶	تخلیه و برداشت از منابع آب زیرزمینی		میلیون مترمکعب	۵۰۸۰۰
۷	حجم آب ورودی به شبکه مدرن آبیاری و زهکشی		میلیون مترمکعب	۱۰۰۳۸
۸	مساحت شبکه‌های اصلی آبیاری و زهکشی		هکتار	۲،۳۹۲،۰۶۴
۹	آب قابل برنامه‌ریزی سطحی		میلیون مترمکعب	۳۹۷۰۰
۱۰	آب قابل تامین نیاز زیست محیطی		میلیون مترمکعب	۸۷۰۰
۱۱	مقدار آب مصرف شده برحسب هر یک از بخش‌های مصرفی	شرب	میلیون مترمکعب	۹۰۳۸
		صنعت		۳۶۹۴
		کشاورزی		۸۱۷۹۱

تراز تجاری محصولات کشاورزی و صنایع غذایی در ۲ ماه نخست ۱۴۰۳ و سال‌های ۱۳۹۷ الی ۱۴۰۲

شرح	واحد	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۳
مقدار صادرات	هزار تن	۱۵۸۰	۱۳۹۲	۱۶۷۰	۱۹۷۴	۱۷۶۰	۱۶۱۹	۱۹۶۴
مقدار واردات	هزار تن	۳۰۳۴	۳۹۸۱	۵۱۸۳	۴۰۲۸	۳۶۷۹	۳۲۷۵	۴۰۷۷
تراز وزنی	هزار تن	-۱۴۵۳	-۲۵۸۹	-۳۵۱۳	-۲۰۵۴	-۱۹۱۹	-۱۶۵۶	-۲۱۱۳
ارزش صادرات	میلیون دلار	۱۱۲۴	۹۷۴	۸۸۹	۹۰۵	۸۱۸	۹۳۱	۱۱۲۹
ارزش واردات	میلیون دلار	۱۵۹۷	۲۳۹۲	۱۸۷۰	۲۱۶۵	۲۸۵۵	۲۱۷۲	۲۵۰۴
تراز تجاری	میلیون دلار	-۴۷۳	-۱۴۱۸	-۹۸۱	-۱۲۶۰	-۲۰۳۷	-۱۲۴۱	-۱۳۷۵

گزارش

مقاومت پنهان در برابر خصوصی‌سازی صنعت خودرو

رئیس انجمن صنایع همگن نیرو محرکه و قطعه‌سازان خودروی کشور گفت: سیاست‌های متناقض در حوزه صنعت خودرو، بیش از آنکه از یک راهبرد مشخص اقتصادی پیروی کند، بیشتر نتیجه یک نوع مقاومت پنهان در برابر خصوصی‌سازی واقعی است. محمدرضا نجفی‌منش، رئیس انجمن صنایع همگن نیرو محرکه و قطعه‌سازان خودروی کشور، در انتقاد از سیاست‌های اقتصادی در حوزه خودرو، اظهار کرد: تصمیم‌های ناگهانی و متناقض در بخش صنعت خودرو، نه حاصل راهبرد اقتصادی مشخص، بلکه ناشی از مقاومت پنهان در برابر خصوصی‌سازی واقعی است. او افزود: برخی جریان‌ها بقای خود را در ناکامی بخش خصوصی می‌دانند. به همین دلیل هرگاه شرایط برای رونق تولیدکننده خصوصی فراهم می‌شود، با تصمیمی خلق‌الساعه آن را خنثی می‌کنند. کاهش ناگهانی تعرفه واردات خودروهای زیر هزارو ۵۰۰ سی‌سی از صد درصد به ۲۰ درصد، یکی از تازه‌ترین نمونه‌های این سیاست‌هاست؛ تصمیمی که کاملا مغایر با قانون بودجه ۱۴۰۴ و بدون اقناع کارشناسی اجرا شد. نجفی‌منش این تصمیم را به «پاشیدن نمک بر زخم تولید داخلی» تشبیه کرد و گفت: تولیدکننده‌ای که با نرخ ارز بالا، هزینه‌های هنگفت و دخالت‌های دولتی دست‌وپنجه نرم می‌کند، حالا باید شاهد ورود واردکننده‌ای باشد که از تعرفه حمایتی بهره می‌برد. او با اشاره به کاهش تعرفه قطعات خودرو نیز هشدار داد: این تصمیم موجب زیان‌دهی تولیدکنندگان قطعه، تعطیلی خطوط تولید و وابستگی بیشتر به واردات خواهد شد. درحالی‌که برای حمایت از تولید داخلی، تعرفه واردات خودرو باید حداقل ۴۰ درصد و برای قطعات حداقل ۳۲ درصد باشد. نجفی‌منش تأکید کرد حتی در لیبرال‌ترین اقتصادها نیز تعرفه‌های حمایتی برای حفظ تولید داخلی اعمال می‌شود و کشورهای بزرگی مثل آمریکا و چین نیز صنعت خودرو را با سیاست‌های هوشمندانه از رقابت غیرمنصفانه واردات محافظت می‌کنند. او با استناد به بند ۹ اصل ۴۳ قانون اساسی، خاطرنشان کرد دولت موظف است از تولید داخلی حمایت کند، نه اینکه واردات را تسهیل کرده و بر تولید فشار بیاورد. او در ادامه به زیان انباشته ۲۸۰ هزار میلیارد تومانی ایران‌خودرو و سایپا اشاره کرد و افزود: این زیان نتیجه مستقیم قیمت‌گذاری دستوری است؛ سیاستی که علاوه بر آسیب به تولید، رانت ۶۰۰ هزار میلیارد تومانی در شبکه توزیع ایجاد کرده است. نجفی‌منش خواستار اصلاح فوری سیاست‌های خودرویی دولت شد و گفت: تنها راه نجات صنعت خودرو، خروج دولت از مداخله مستقیم، حذف قیمت‌گذاری دستوری و طراحی یک نظام تعرفه‌ای هوشمند است. او همچنین عملکرد دوگانه دولت در موضوع خصوصی‌سازی را زیر سؤال برد و هشدار داد: برخی جریان‌های دولتی با شکست بخش خصوصی، درواقع در حال تخریب بستر عدالت اقتصادی هستند. نجفی‌منش تصریح کرد: آنچه صنعت خودرو را زمین‌گیر کرده، نه ضعف تولیدکننده، بلکه ترکیبی از سیاست‌زدگی، تصمیمات غیرکارشناسی و مداخلات بی‌قاعده دولت در رقابت است.

نوبت اول

فراخوان تجدید مناقصه عمومی(یک مرحله ای همزمان با ارزیابی کیفی یکپارچه) به شماره ۱۴۰۴/۳۰

شرکت سهامی برق منطقه ای کرمان

شرکت سهامی برق منطقه ای کرمان (به عنوان دستگاه مناقصه گزار) در نظر دارد انجام عملیات خریدو نصب و راه اندازی تجهیزات سامانه نظارت تصویری پست برق ۲۳۰کیلوولت عنبرآباد به شماره ثبت ۲۰۰۴۰۰۱۴۰۶۰۰۰۰۲۳ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید . کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکتها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند .

تاریخ انتشار اسناد مناقصه در سامانه : ساعت ۱۲ روز دوشنبه مورخ۱۴۰۴/۰۵/۶

آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه از سامانه : ساعت ۱۹ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۳

آخرین مهلت بارگذاری اسناد مناقصه و پاکتهای پیشنهادی : تا ساعت ۹ صبح روزچهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۹

مهلت ارسال اصل پاکت الف : تا ساعت ۸صبح روز چهارشنبه مورخ۱۴۰۴/۰۵/۲۹

زمان و محل بازگشایی پاکات: طبق اسناد مناقصه ساعت ۹ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۹

ساختمان شماره یک - طبقه اول-سالن کنفرانس اندیشه شرکت سهامی برق منطقه ای کرمان .

محل تحویل پاکت الف : کرمان - بلوار شهید عباسپور - اداره دبیرخانه شرکت سهامی برق منطقه ای کرمان کد پستی :۷۶۱۴۶۵۳۱۴۳

تذکر مهم : تحویل نسخه اصل پاکت الف به صورت لاک و مهر شده به آدرس فوق الذکر الزامی می باشد.

مبلغ و نوع تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: مبلغ ۲،۹۹۹،۰۰۴،۶۲۵ ریال به صورت یک یا ترکیبی از ضمانتنامه های مندرج درذیل :

- رسید واریز وجه به شماره شبا IR ۸۱۰۱۰۰۰۰۴۱۰۱۱۲۱۶۳۸۱۶۲۰۲۸ و شناسه واریزی ۳۶۳۱۲۱۶۵۹۲۲۴۵۰۰۸۱۰۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ بانک مرکزی

- ضمانتنامه بانکی و یا ضمانتنامه های صادره از سوی موسسات اعتباری غیر بانکی که دارای مجوز فعالیت از سوی بانک مرکزی هستند.

- سایر ضمانتنامه های مقرر در بندهای (پ)،(ج)،(چ)،(ح)،(خ) ماده ۴ آیین نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹ هـ مورخ ۹۴/۹/۲۲ و اصلاحیه های بعدی آن.

-دارا بودن پروانه معتبر فعالیت در حوزه خدمات عملیاتی افتا در زمینه پیاده سازی امنیت فیزیکی و محیط پیرامون و گواهینامه رتبه بندی و احراز صلاحیت در رشته شبکه داده های رایانه ای و مخابراتی حداقل رتبه ۴ از سازمان برنامه و بودجه کشور در مناقصه الزامی است.

- به پیشنهادهایی که فاقد سپرده یا امضاء ، مشروط ، مخدوش ، سپرده های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و پیشنهادهائی که پس از انقضاء مدت مقرر در آگهی واصل شود مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد .

- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است .

ضمناً این آگهی در سایت اینترنتی به آدرسهای http://iets.mporg.ir ، www.krec.co.ir و WWW.Tavanir.org.ir در دسترس می باشد .

شناسه آگهی : ۱۹۶۹۹۵۷ م الف : ۱۱

نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۵/۰۵ نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۵/۰۶

روابط عمومی شرکت سهامی برق منطقه ای کرمان

۲۷۰۶

www.sharghdaily.ir